

از لابلای یادداشت‌ها و نیشته‌های روزمره ام

معادله منطقوی چند مجهوله

آیا پایان بازی بزرگ در کشور ما متصور می‌باشد؟
ایالات متحده و اجتناب از نظریه جنگ مقدس

ثبات بین‌المللی و اصل نوع جدیدی از تعامل
بهم‌پیوستگی پایدار و ائتلاف شکننده
آرایش نیروها در روابط بین‌المللی
دورنمای جنگ و صلح در افغانستان

بمثابه سرآغاز سخن در مورد مسأله مورد بحث باید خاطر نشان گردد که ایجاد صلح و ثبات پایدار، رسیدگی به جرایم گذشته، مصالحه میان مجرمین و قربانیان و گذار از گذشته‌ای همراه با تفرقه به آینده مشترک در تمامی کشورهای پس از جنگ به ویژه در کشورهای دارای نهادهای اجتماعی و سیاسی ضعیف و امکانات محدود همراه با ناامنی و مردمی متأثر از جنگ، امر دشواری پنداشته می‌شود. بمنظور گذار به زندگی صلح‌آمیز و تحکیم آشتی ملی در کشور، باید به گذشته برخورد جسورانه و مبتنی بر عدالت و با اجتناب از انتقام‌گیری صورت گیرد، راهایی را بمنظور بنا کردن همزیستی میان شهروندان کشور متکی بر اصول تسامح، گذشت و ایجابات یک نظام اجتماعی مبتنی بر حقوق و قانون جستجو نمود. تجارب مثبت کشورهای که بحران‌های خونینی را پشت سر گذاشته‌اند، نشان می‌دهد که باید روابط منطقی و موزون را میان حقیقت‌یابی، حفظ صلح و ثبات و تحکیم دموکراسی و حاکمیت قانون و اجرای عدالت برقرار نمود.

در جهان کنونی، روابط و نحوه مناسبات میان افراد جامعه از یکسو و دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی از جانب دیگر، بصورت وسیع‌ان توسعه یافته‌اند اما در وجود این روابط، بعضی اوقات میان تابعان حقوق بین‌الملل به خصوص میان دولت‌ها اختلافاتی نیز عرض اندام می‌نماید. در صورت بروز اختلافات چه میان دولت‌ها و چه میان دولت‌ها و شهروندان، مراجع مسوول به طریقه‌های مختلف و با استفاده از وسایل و کاربرد شیوه‌های گوناگون حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات و گاهی هم به شیوه‌های حل و فصل غیرمسالمت‌آمیز توسل می‌ورزند. بمنظور حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات، طریقه‌ها و روش‌های مختلفی وجود دارند و دولت‌ها در انتخاب و استفاده از این روش‌ها در صورت بروز اختلافات کاملاً آزاد می‌باشند. همچنان در مقطع کنونی، این مسأله قابل یادآوری می‌باشد که سیاست امنیتی کشورهای منطقه ما آنهم در زمینه متن حل و فصل معضله کنونی افغانستان بمثابه یکی از معضلات حاد مناسبات کنونی بین‌المللی محسوب می‌گردد. در اینباره قبل از همه، نحوه موضعگیری و انجام نقش دول کشورهای

همجوار افغانستان و سایر دول کشورهای موجود در منطقه ما باید مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. با توجه به موجودیت تناقض‌هایی در چگونگی تداوم و بسرانجام رسانیدن پروسه تأمین صلح و ثبات در کشور ما و مشکلات و معضلات قابل توجهی در مجموعه فعل و انفعالات پیچیده و مغلق منطقی، از جانب بازیگران فعالی چون ایالات متحده، روسیه، ناتو، سازمان پیمان امنیت جمعی و همچنان سازمان همکاری‌های شانگهای، امر تشکیل مجموعه‌ای به نام گروه تماس ۷+۵ رویدست گرفته شد.

قابل یادآوری می‌باشد که مسایل مربوط به عرصه امنیت منطقی در دستور کار سازمان همکاری‌های شانگهای نیز قرار دارد که در نوع خود بدون در نظر داشت بخش دیگر تشکیل‌دهنده این پروسه یعنی پوتانسیل موجود بر خوردها از جانب افغانستان که در مجاورت کشورهای آسیای مرکزی موقعیت دارد، اصلاً دستیابی به مأمول فوق ناممکن به نظر می‌رسد. نباید فراموش نمود که با در نظر داشت فاکت‌های موجود، افغانستان بمثابه حلقه وصل‌کننده آسیای میانه و کشورهای جنوب آسیا و شرق میانه، می‌تواند نقش برآزنده و مهمی در زمینه ایفا نماید.

در کنار موجودیت معضلات مرزی در منطقه که تاریخ طولانی دارد، در وطن عزیز ما فقر بیداد می‌کند، بیکاری همه گیر دامن گسترده، استعمال و استفاده از مواد مخدر عمومیت کسب نموده، مهاجرت‌های غیرقانونی در حال افزایش بوده، فعالیت‌های تشدد طلب‌ها همچنان از مردمان ملکی قربانی می‌گیرد و... همه این عوامل به خصوص طی سال‌های پسین سبب ساز بحران در جامعه ما پنداشته می‌شود. با در نظر داشت عامل جغرافیایی و موجودیت عوارض طبیعی، عده‌ای در صدد آنند تا اصل بحران بصورت سنجیده شده آن به کشورهای هم‌مرز افغانستان و عمدتاً به کشورهای آسیای مرکزی منتقل گردد، چنانچه تغییر و تبدیل‌های کدری و اداری در مناطق و ولایت‌های شمال کشور، ادعای فوق را عملاً به اثبات می‌رساند.

اینک بیش از شانزده سال می‌شود که ایالات متحده در کارزار کشور ما مشغول و مصروف بوده و با هزینه گردیدن تریلیون‌ها دالر بمنظور پیشبرد عملیات نظامی و جنگی و قربانی‌های بی‌شمار نظامی‌ها و مردمان ملکی، این جنگ همچنان ادامه داده می‌شود. نباید فراموش خاطر ما گردد که فاکتور افغانستان بمثابه تهدید مداومی در امر مناسبات بین‌المللی مبدل گردیده است. جنگ و نبرد مسلحانه "طالب‌ها" و گروه‌ها و دسته‌بندی‌های بنیادگرا و تشدد طلب از یک جانب و افزایش قابل توجه قاچاق مواد مخدر از جانب دیگر، از جمله بخش‌های تشکیل‌دهنده تهدید متذکره را تشکیل می‌دهند. اکنون پس از سال‌ها جنگ و بر خوردهای خونین و نبود نظم و قانون در بسیاری از مناطق و محلات کشور، افغانستان بمثابه بزرگترین صادرکننده مواد مخدر در جهان شمرده می‌شود. نباید فراموش نمود که پس از لشکرکشی ایالات متحده و هم‌پیمانانش به سرزمین کشور ما، هم اراضی کشت و زرع کوکنار و وسعت قابل ملاحظه حاصل نموده و هم در مقدار مواد مخدر تهیه شده در کشور افزایش چشمگیری بعمل آمد. یادآور باید شد که قضاوت و پیشداوری در زمینه آینده و اظهار نظر درباره دورنمای کشور ما مشکل و حتی غیرممکن به نظر می‌رسد. در کشور عزیز ما اکنون نیروها و گروه‌های رنگارنگ و متنوعی عرض وجود نموده‌اند که شامل گروه‌های قبیلوی نیز می‌گردد، آنها از قدرت مرکزی و اجرای تصامیم آن سرپیچی نموده و به منظور دستیابی به منابع و قدرت، با هم رقابت می‌نمایند، همچنان ضد و نقیض‌گویی‌هایی در عرصه مناسبات اقوام و قبایل در داخل کشور، عملاً دامن زده می‌شود که خود سبب افزایش و گسترش زمینه‌های ناامنی در محدوده کشور ما می‌گردد. بر علاوه مسایل و موضوعات گفته‌آمده، موجودیت مشکلات و معضلات مرزی میان افغانستان و پاکستان جهت دیگر مشکلات کنونی در کشور ما را تشکیل می‌دهد.

در نخستین دهه سده ۲۱، امر ثبات و امنیت در منطقه آسیای مرکزی، بصورت عمده وابسته به عواقب و پیامدهای بر خوردهای سیاسی - نظامی در افغانستان بوده و این مسأله واضح و روشن می‌باشد که نه دولت افغانستان، نه فعالیت‌ها و عملکردهای نظامی و جنگی کشورهای عضو ناتو و حتی بصورت غیرمستقیم خود ایالات متحده نیز قادر نخواهند بود تا در تغییر بنیادی اوضاع موجود در افغانستان و حل و فصل

بحران کنونی و تأمین امنیت در کشور ما موفقیت های آنچنانی را نصیب کردند. بحران در افغانستان را باید در ارتباط با بحران های پیچیده سیاسی بین المللی مورد مطالعه و بررسی قرارداد. همچنان حل و فصل واقعی معضله کشور ما از ضروریات حیاتی کشورهای همجوار و منطقه نیز محسوب گردیده و بصورت مستقیم در چگونگی وضعیت در کشورهای درگیر نیز موثر واقع خواهد گردید.

متذکر باید گردید که از آغاز نخستین روزهای فصل خزان سال ۱۳۸۰ بدینسو، تأثیر گذاری جامعه اروپا و کشورهای هم پیمان آن بر وضعیت کلی افغانستان کاملاً مشهود می باشد. می توان ایالات متحده، ناتو و اتحادیه اروپا را بمتابه اثرگذارترین بازیگران قضایای موجود در کشور ما محسوب نمود و اما در این زمینه از پاکستان و ایران بمتابه نیروهای خارجی که حق مداخله در امور داخلی کشورهای دیگر را برای خویش محفوظ نگهداشته و در اوضاع داخلی کشور ما نیز فعال می باشند، باید نامبرد. سیاست های فراسیون روسیه، چین و هند را نیز باید در این جمع اضافه نمود. در میان بازیگران خارجی معضله کشور ما که در بالا از آنها تذکر بعمل آمد، نقش کشورهای چین، هند و پاکستان که هر سه دارنده سلاح هسته ای نیز می باشند، قابل توجه محسوب می گردد. هر سه کشور نامبرده با کشور ما هم مرز می باشند. کشورهای آسیای میانه شامل تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان و همچنان ایران نیز با کشور ما مرزهای مشترک دارند. همه کشورهای نامبرده در امر ثبات در افغانستان و دموکراتیزه ساختن حیات اجتماعی کشور ما ذینفع بوده و در زمینه علاقمند می باشند، آنها موجودیت نا آرامی و تشنج در کشور ما را بمتابه یگانه منبع عدم ثبات و عامل نبود فقدان استقرار سیاسی در کشورهای شان می پندارند.

قابل تذکر می باشد که بمنظور حل و فصل معضله کشور ما، گروه تماس ۷+۵ با سهمگیری تاجیکستان، چین، هند، ایران، پاکستان، ترکمنستان و ازبکستان توسط سازمان ملل تشکیل گردید. همچنان در این جمع به تعداد پنج بازیکن که عبارت بودند از روسیه، ایالات متحده، ناتو، سازمان پیمان امنیت جمعی و همچنان سازمان همکاری های شانگهای نیز عضویت داشتند.

توجه داشته باشید که چهارچوب یاد شده نمی تواند اصل کنار آمدن با مشکلات کشور ما را بصورت کامل جوابگو باشد، به دلیل اینکه طرح فورمول کامل در زمینه به دلایل مختلف، در وضعیت کنونی کشور ما اصلاً موجود نمی باشد که از جمله می توان قبل از همه واقعیت وجودی ضد و نقیض گویی ها و تضادهای داخلی میان بازیکنان جداگانه را نامبرد. یکی از جمله موارد متذکره را می توان موجودیت خطوط مقابله "ایالات متحده - ایران" در این میان ذکر نمود که مشکلاتی را در زمینه دستیابی به یک اجماع مشترک به بار آورد. اما ایران در سال ۲۰۰۱، به زودترین فرصت پس از انجام عملیات تروریستی در ایالات متحده، پشتیبانی اش را از انجام عملیات نظامی در افغانستان بمنظور سرنگونی حاکمیت "طالب" ها اعلام نموده و در زمینه مبارزه علیه "القاعده" نیز اظهار آمادگی نمود. بنهائاً، به هدف وارد نمودن ضربات علیه مواضع "طالب" ها و "القاعده"، ایران اطلاعات استخباراتی را در مورد محلات استقرار و جابجایی جنگجویان با ارگان های زیربند ایالات متحده نیز شریک ساخت. خاطر نشان باید نمود که ایران بدنال احیای قدرت خود در منطقه از طریق اعمال نفوذ در افغانستان است و اما در موجودیت ایالات متحده، رسیدن به چنین هدفی برایش مقدور نمی باشد. نباید فراموش نمود که اما وضعیت مواجهه و مقابله کنونی، امنیت منطقوی را در مجموع مورد تهدید قرار می دهد. همچنان این نگرانی وجود دارد که هنگام ساخت و ایجاد قالب و چهارچوکاتی در زمینه همکاری گروه ۷+۵، مخالفت ها و تضادهای هند و پاکستان در افغانستان نیز حدت و شدت یابد که در نوع خود می تواند سبب ساز معضلات و مشکلاتی در وضعیت و شرایط نه چندان مساعد منطقه گردد.

احتمالاً در چنین شرایط، طرح پلاتفورم سازمان همکاری های شانگهای، سبب نزدیکی مواضع طرفین و باعث تخفیف تشنج در روابط بین المللی و مناسبات منطقوی شده و بصورت کلی در بهتر سازی ارتباطات میان هند و پاکستان و تأمین امنیت نیز موثر واقع گردد. چنین چهارچوب همکاری، ممکن اصل تشنج را تخفیف بخشیده و اما از جانب دیگر در اثر عدم همکاری در پروسه تأمین صلح در کشور ما، تشنج در

مناسبات منطقوی وسعت حاصل نموده و زمینه برخورد های مسلحانه نیز مساعد و مهیا گردد. نباید فراموش نمود که بیشترین بخش دول کشورهای ۷+۵، از تأثیر گذاری بر امور و مسایل کشور ما برخوردار می باشند، چه، عده ای از آنها بمتابه شرکت کنندگان مستقیم و عده ای هم بمتابه ناظر در سازمان های بین المللی و منطقوی، از جمله در ناتو، سازمان همکاری های شانگهای و سازمان پیمان امنیت جمعی عضویت دارند.

بنابراین، بخش اقتصادی عرصه ایست که یکی از جمله عوامل مهم اثر گذاری ایران و پاکستان در پروسه های داخلی و سیاست خارجی کشور ما در آن نهفته می باشد. در مورد فاکتور های ستراتیژیک و ژئوپولیتیک پروسه حل و فصل قضایای کشور باید علاوه نمود که با حل و فصل معضلات پیچیده کشور ما، به گمان اغلب که بیشترین توجه شامل فاکتور های ژئوپولیتیک و منافع مطرح در زمینه خواهد گردید. متأسفانه کشور ما از رهگذر جغرافیایی و سیاسی در چندین جبهه "پاره پاره" گردیده است. در شمال کشور که اکثریت هموطنان تاجیک و ازبک ما بود و باش دارند، تلاش هایی مبنی بر جلوگیری از نفوذ پنتون ها در مناطق مذکوره در شرف تکوین می باشد. در بخش های جنوبی کشور، پاکستان دامنه نفوذش را وسعت بخشیده و همچنان، منافع ایران بصورت کل، در تحکیم مواضع و وسعت نفوذش بر مناطق و محلات غربی کشور ما نهفته می باشد.

نیروهای دولتی کشور به دنبال کنترل و اداره مناطق مرکزی افغانستان می باشند. در مناطق شمال شرقی کشور، منافع متضاد چین و هند تبلور می یابد، در مناطق اخیر الذکر است که در آنها منابع تهدید نیز متمرکز می باشد. بدین ترتیب، قدرت های بزرگی که در آنسوی مرز های شمالی کشور ما موقعیت دارند چون فدراسیون روسیه و تاجیکستان، هموطنان تاجیک ما را، از پاکستان باشندگان ازبک تبار کشور ما را و ایران هم باشندگان و هموطنان اهل تشیع ما را مورد پشتیبانی و همدردی قرار داده و از آنها حمایت بعمل می آورند و پاکستان نه تنها بر مناطق پنتون نشین، بلکه بر بیشترین بخش اراضی کشور ما که نسبت به محلات دیگر کشور ما همدردی بیشتر اهالی آن مناطق را جلب نموده، ساحه نفوذ و اثر گذاری خویش را بسط و گسترش بخشیده و چنین حالت و وضعیتی را ایران نیز گریبان گیر مناطق غربی کشور ما نموده است. همه موارد ذکر شده، در نوع خود سبب ساز تسریع انشعاب ملی در داخل کشور شده و اما در آینده ها با اتخاذ سیاست و مشی اصولی در زمینه، می توان به امکانات فراهم آوری شرایط ممکن بمنظور همگرایی کشور ما در اجماع منطقوی نیز اطمینان داشت.

امکانات رشد و انکشاف مناسبات با کشور ما، عمدتاً در آینه سناریوی بعدی ژئوپولیتیکی که در برگیرنده تمامی منطقه بوده و در آن، افغانستان بمتابه مرکز و قلب دکترین به اصطلاح "آسیای مرکزی بزرگ" محسوب گردیده است، مطالعه می گردد. در طرح های مورد علاقه، باید از طریق کشور ما زیر ساخت های اساسی شامل تأسیسات نفتی و امتداد خطوط لوله گاز، ساخت و تمدید راه آهن و اعمار جاده های موثر رو، امتداد خطوط برق و غیره فراهم گردیده و کشورهای آسیای مرکزی و جنوب آسیا با هم وصل گردند.

جامعه شناسان و دست اندرکاران مسایل مربوطه بدین امر متفق الرأی می باشند که با استفاده و بهره برداری عملی و پلان شده از امکانات داخلی افغانستان، افغان ها می توانند به خود کفایی نایل گردند. در بخش اجتماعی باید متذکر گردید که با سازماندهی گفتگو های بین الافغانی در کشور می توان با تکیه بر سوابق مذاکرات و سیاست مصالحه ملی نیمه دوم سال ۱۳۵۹ در کشور و خارج از آن بطور مثال با استفاده از تجربه حل و فصل قضایای تاجیکستان نیز بهره جست. یادآوری این مسأله لازمی پنداشته می شود که افزایش حضور نظامی در کشور ما موفقیتی به دنبال نخواهد داشت، زیرا منابع بشری افغانستان نهایت وسیع بوده و مناطق قبایلی نیز بسیار گسترده می باشد. از جانب دیگر، مناطق تحت تسلط و نفوذ "طالب" ها را نیز باید در نظر داشت. شرکت کنندگان اجلاس همکاری ۷+۵ می توانند در امر ساختار دولت مشروع و پایدار در افغانستان نیز کمک نموده و در زمینه ممد واقع گردند.

می توان مطلب را چنین ادامه داد که هدف از درگیری های ژئوپولیتیک نباید استفاده ابزاری بمنظور دستیابی به منافع کلان کشور و یا کشورهای منحصر بفردی صورت گیرد. در اینجا ذکر این مسأله لازمی پنداشته می شود که باید نهایت سعی بعمل آید تا کشور ما نه بمتابه مرکز ثقل برخوردارها و مخاصمات، بلکه به محلی بمنظور انتقال اموال، تأمین ارتباطات، وسعت صادرات و واردات و همچنان به محلی برای سرمایه گذاری ها و بهره برداری از امکانات موجود و وصل کننده آسیای میانه به جنوب آسیا و شرق میانه مبدل گردد. یادآور باید شد که کشور ما با دول کشورهای آسیای میانه ممکن از رهگذر نوع دولتداری و مناسبات معین سیاسی باهم تفاوت داشته باشد، اما نباید فراموش نمود که روابط و مناسبات افغانستان با کشورهای یادشده، اصل توازن قدرت و سیاست های ایالات متحده و روسیه را نیز تحت تأثیر قرار می دهد. در داخل کشور میان حلقات معین سیاسی گرایش به همگرایی با دولت های آسیای میانه عملاً موجود می باشد. همه کشورها و گروه های ذیدخل در قضایای مربوط به کشور ما علاقمند می باشند تا بیش از هر زمان دیگر، ایالات متحده زمینه های گفتگو و مذاکرات بمنظور حل و فصل صلح آمیز قضایای کشور را مساعد و مهیا نماید. علاوه بر آن، عده ای از کارشناسان امور و مسایل مربوط چنین پیشنهاد می نمایند تا ناظران بین المللی و عمدتاً متشکل از نمایندگان کشورهای همجوار افغانستان مانند چین، هند، پاکستان، ایران، تاجیکستان، ازبکستان و ترکمنستان بمنظور نظارت از امور مصالحه وارد کشور ما گردند، بدین ترتیب، دول کشورهای همجوار در شمال افغانستان با طرح های اقتصادی بمنظور احیای زیربنا های عمده کشور وارد سرزمین ما شده و چنین همگرایی ها و سیاست های اقتصادی به یقین که سبب ساز هماهنگی مواضع سیاسی میان افغانستان و دول کشورهای یادشده خواهد گردید. اما وضعیت پیچیده و مشکل نظامی - سیاسی کشور ما بمتابه یکی از موانع جدی در پروسه همگرایی و تأمین متقابل منافع و مصالح کشورهای آسیای میانه محسوب می گردد. نباید فراموش نمود که میکانیسم خروج قوای نظامی بین المللی از اراضی کشور ما نیز شکل و نوع پیچیده و مغلقی داشت.

قابل یادآوری می باشد که عملکرد ضعیف دول کشورهای آسیای میانه در بخش استقرار امنیت واقعی در افغانستان و منطقه بمتابه ضعیفترین حلقه مناسبات و فعالیت های سیاسی کشورهای متذکره محسوب می گردد. بطور مثال، سیاست داخلی و سیاست خارجی کشور قرغیزستان از بسا جهات با حل و فصل قضایای کشور ما مرتبط می باشد که از جمله می توان معضل و سرنوشت پایگاه نظامی "مناس" در آن کشور را نامبرد. پس از خروج قسمی نیروهای رزمی ایالات متحده از کشور ما، پایگاه هوایی "مناس"، بصورت غیر مستقیم بمتابه مشکل کلیدی سیاست داخلی و سیاست خارجی آن کشور در منطقه آسیای مرکزی عرض وجود نموده و مسأله بدین شرح مطرح گردید که بیشکیک به آینده افغانستان و اعاده صلح در کشور ما علاقمند می باشد.

بدین ترتیب و در نهایت باید متذکر گردید که صرف مجموعه ای از همکاری های کلیه علاقمندان حل و فصل مسالمت آمیز قضایای کشور ما در زمینه اعاده صلح و امنیت در سرزمین کشور ما افغان ها بصورت یک کل، مفید محسوب می گردد.

با ارائه دورنمای انکشاف و رشد و تکامل کشور و وسعت روابط و مناسبات منطوقی و با استفاده از اصل مفاهمه و گفتگو که جوهر زندگی متمدن را ساخته و کلید حل بسیاری از مشکلات محسوب می گردد، می توان به ایجاد فضای مناسب و به دور از جنگ و درگیری و مخاصمت که بنا و اساس زندگی صلح آمیز را تشکیل می دهد، موفق گردید.